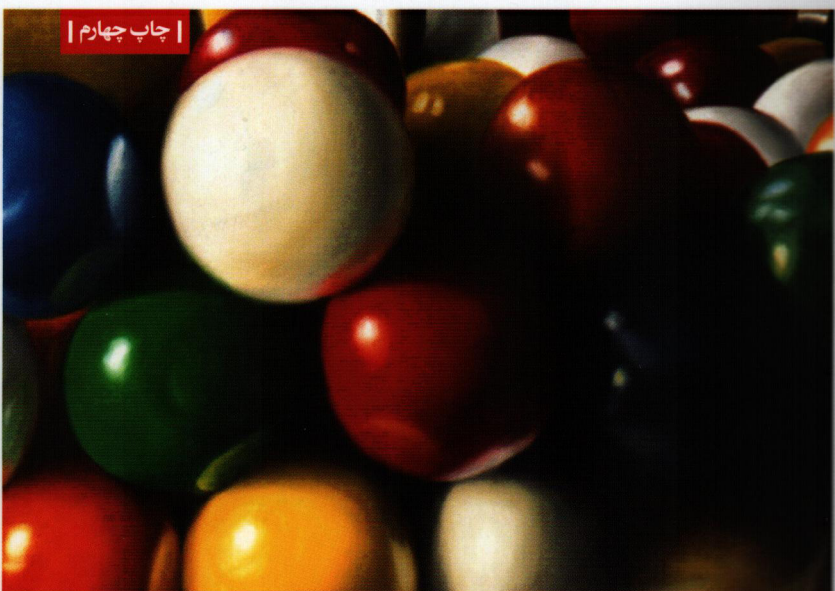




پوپولیسم چیست؟

ایان-ورنر مولر | بانک واحدی |



| جاب چهارم |

فهرست

۹	مقدمه آیا همه یوبولیست هستیم؟
۱۵	۱ یوبولیست‌ها چه می‌گویند؟
۴۹	۲ یوبولیست‌ها چه می‌کنند، یا یوبولیسم برمسند قدرت
۸۳	۳ نا یوبولیست‌ها چه کنیم؟
۱۰۷	نتیجه‌گیری هفت نظر در باب یوبولیسم
۱۱۱	یادداشت‌ها
۱۲۹	سپاس‌گزاری
۱۳۱	مؤخره چطور به یوبولیسم فکر نکنیم

پوپولیست‌ها چه می‌گویند؟

«شحنی دارد جهان را تسحیر می‌کند پوپولیسم» [۱] گیتا یوسکو و اریست گلر مقدمهٔ مجموعهٔ مقالاتی را که در سال ۱۹۶۹ دربارهٔ پوپولیسم گرد آورده بودند، این‌طور آغاز کرده‌اند. مقالات این کتاب عمدتاً از میان مقالاتی بودند که در کنفرانس بسیار بزرگی که در سال ۱۹۶۷ در مدرسهٔ اقتصاد لندن برگزار شده بود، و می‌کوشید «پوپولیسم را تعریف کند»، ارائه شده بودند. در پایان کنفرانس معلوم شد که شرکت‌کنندگان پرشمار کنفرانس بر سر یک تعریف واحد اتفاق نظر ندارند. با این حال مطالعهٔ مقالات ارائه‌شده در این کنفرانس حالی از فایده نیست پس از خواندن این مقالات لاجرم این نکته به ذهن متبادر می‌شود که در آن زمان هم، درست مثل امروز، در سخن گفتن از «پوپولیست» انواع گوناگونی از دغدغه‌های سیاسی به میان می‌آمد، و واژهٔ پوپولیسم در توصیف بسیاری از پدیده‌های سیاسی به کار می‌رفت که در نظراول مانعة‌الجمع به نظر می‌رسیدند. از آنجا که امروز هم به نظر نمی‌رسد اتفاق نظری دربارهٔ تعریف پوپولیسم وجود داشته باشد، طبیعی است که بپرسیم، آیا اصلاً آنچنان تعریف واحدی وجود دارد؟

پیش از این، در اواخر دههٔ ۱۹۶۰، بحث «پوپولیسم» در بحث و جدل‌ها دربارهٔ استعمارزدایی، حدس و گمان‌ها پیرامون آیندهٔ «رعیت‌ناوری»^۱ و، هرچند در

مقابل «وال استریت» هستند که پوپولیست خوانده و نه این عنوان تکریم (یا تقییح) می‌شوند و حتی وقتی این پوپولیست‌ها از جمع سیاست‌مداران حرفه‌ای حاکم هم ناشدند، مثل بیل دوناسیو، شهردار بیویورک، و الیزابت وارن، سناتور ماساچوست، نارو وضع به همین موافق است و این انتقاد در حای خود ناقدی است در ایالات متحده عجیب نیست که نشوید مردم از «پوپولیسم لیبرال» بگویند، در حالی که چنین تعبیری اگر در اروپا شایع شود تناقضی آشکار به نظر خواهد رسید، چراکه درک مردمان دوسوی آتلانتیک از هردو مفهوم لیبرالیسم و پوپولیسم کاملاً متفاوت است [۵] چنان‌که می‌دانیم، «لیبرال» در آمریکای شمالی چیزی در ردیف «سوسیال‌دموکرات» است و «پوپولیسم» گونه‌ای آشتی‌ناپذیر از آن، در مقابل در اروپا، پوپولیسم هرگز نمی‌تواند با لیبرالیسم جمع شود، اگر منظورمان از دومی چیزی در ردیف احترام به کثرت‌گرایی باشد و درکی از دموکراسی که قیود و موازیه‌ها (و در کل، قید و بند حواست مردم) را ضروری می‌داند

کاربردهای سیاسی مختلف این واژه به قدر کافی گیج‌کننده بودند، لیکن ظهور حسش‌های بودرپی بحران مالی جهان، حاصه تی پارتی و تسحیر وال استریت، بیش از پیش بر این پیچیدگی افزود. هردوی این حسش‌ها را پوپولیست خوانده‌اند، تا ندان‌جا که حتی گفته شده است ائتلافی میان نیروهای راست و چپ منتقد سیاست حاکم پدید آمده، و «پوپولیسم» مطرح مشترک احتمالی آن است شیوه‌ای که رسانه‌ها در پوشش اخبار انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۶ در پیش گرفتند هم این تصور همسنگی و همگرایی را تقویت کرد. داند ترامپ و برنی سندرز ظاهراً هردو پوپولیست بودند، یکی در سمت راست طیف سیاست و دیگری در سمت چپ آن هردوی آن‌ها، چنان‌که مُدام گفته می‌شد، دست‌کم این وجه مشترک را داشتند که «طعیان‌گران علیه تشکیلات حاکم» هستند و محرکشان «حشم»، «استیصال» یا «ربحش» شهروندان است. به‌وضوح پیداست که پوپولیسم مفهوم سیاسی مسئله‌دار و بحث‌برانگیزی است [۶] سیاست‌مداران حرفه‌ای به‌حوی با محاطرات دعوا بر سر معنای

نظر ما قرن بیست و یکمی‌ها عجیب می‌نماید، در بحث‌های مربوط به ریشه‌ها و تحولات محتمل کمونیسم در معنای عام و مائویسم در معنای خاص، به میان می‌آید امروزه، حاصه در اروپا، انواع مختلفی از نیم‌ها - و گاه امیدها - پیرامون واژه پوپولیسم سرری می‌آورد و مطرح می‌شوند خلاصه اینکه، در یک سو، لیبرال‌ها ظاهراً نگران این هستند که به‌رعمشان توده‌های رور به رور غیرلیبرال‌تر فریب بخورند و در دام پوپولیسم، ناسیونالیسم و حتی بیگانه‌هراسی تمام‌عیار بیفتند؛ و در سوی دیگر، نظریه‌پردازان دموکراسی دعدعه طهور چیزی را دارند که آن را «تکوکراسی لیبرال» می‌خوانند، یعنی «حکمرانی مسئولانه» گروهی برگزیده از متخصصان که آگاهانه پاسخ‌گوی مطالبات شهروندان عادی نیستند [۲] لذا پوپولیسم شاید همان چیزی باشد که کاس موده، حاصه‌شاس هلندی، آن را «واکش دموکراتیک غیرلیبرال نه لیبرالیسم عیردموکراتیک» خوانده است. در این معنا پوپولیسم هم یک تهدید است و هم یک عامل اصلاح‌گر بالقوه برای سیاستی که نه هرروی ریاده از «مردم» دور افتاده است [۳] شاید تصویر تک‌اندده‌ای که سحامین آردیتی از رابطه میان پوپولیسم و دموکراسی ترسیم کرده، دور از واقعیت باشد؛ پوپولیسم، به اعتقاد آردیتی، به میهمان مستی در یک میهمانی شام می‌ماند او آداب عدا خوردن را رعایت نمی‌کند، بی‌تراکت است، و حتی شاید شروع کند به «لاس‌ردن با همسران میهمانان دیگر» ولی هم‌اوست که شاید به‌هنگام این مستی و راستی حقیقتی را درباره دموکراسی لیبرال نه ریان آورد، دموکراسی‌ای که آن آرمان سیادین آعازین، یعنی حکمرانی مردمی، را فراموش کرده است [۴]

در ایالات متحده، واژه پوپولیسم اغلب نا ایده یک سیاست مساوات‌طلب چپ اصیل در برانج بالقوه نا مواضع حرب دموکرات گره حورده است، حربی که در نظر منتقدان پوپولیست ریاده میانه‌گرایا، به تبع بحث‌های مطرح‌شده در اروپا، در اسارت و در خدمت تکوکرات‌ها (یا بدتر از آن، «توانگران») است. سراًح‌هرچه باشد، در معنای حاص کلمه، این مدافعان «میس استریت»^۱ در